



زیر بلوط سرسختی

www.ketab.ir

نویسنده: علیرضا رضایی

نشر آقای کتاب

۱۴۰۰

سرشناسه	: رضایی، علیرضا، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: زیر بلوط سرسختی/ نویسنده علیرضا رضایی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات آقای کتاب، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۴۴ ص: مصور؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۳۵۰۰۰۰ ریال 4-211-217-622-978 :
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: رضایی، علیرضا، ۱۳۵۳ - - - خاطرات
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIR۸۰۷۵
رده بندی دیوبی	: ۸۱۶/۲۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۵۷۸۱۵
وضعیت رکورد	: فیبا

ناشر	: آقای کتاب
عنوان	: زیر بلوط سرسختی
مولف	: غلیرضا رضایی
نوبت چاپ	: اول / ۱۴۰۰
تیراژ	: ۱۰۰ جلد
قیمت	: ۲۰ هزار تومان 
شماره شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۱۷-۲۱۱-۴ :

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هرکس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر یا مؤلف، نشر یا پخش کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به ناشر می باشد.

آدرس نشر و محل توزیع: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خ وحید نظری، بن بست بختیاری، پلاک ۷، واحد ۱ تلفن و دورنگار: ۶۶۱۷۶۸۹۱

سایت: www.aghayeketab.ir ایمیل: Info@aghayeketab.com

"مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف می باشد"

فهرست مطالب

۴	مقدمه
۷	"به کوچه‌های خلوت همیشه مبتلای تو"
۹	شب
۱۱	چشمات
۱۵	"خیابان ایز"
۱۶	انگشترای بیست و یکم
۱۸	کارت معاف
۲۱	پنوم
۲۲	بیزه
۲۳	لیزدر
۲۴	چادرگلی
۲۶	آفتابگردان
۲۷	برابر
۲۹	اسفند
۳۰	فرقد
۳۱	بیمامد
۳۲	زینو
۳۳	کشی کشکی
۳۴	روزنهانی هنرمند
۳۸	کی بود که نبود
۳۹	من فقط خواب عشق را دیده ام همین!
۴۰	پس کجایی زینو؟
۴۳	ازازل تصویر بود!

مقدمه

ای قرص قمر در گذر چشم به یادت

موهای تو افروخته چشمان بلوطم! کلاس پنجم ابتدایی بودم سال ۶۲ یا ۶۳ یادم میاد سه تا معلم داشتیم یعنی هی تغییر میکردند یا کمبود معلم بود یا تغییر مدیر مدرسه نمی‌دونم. هرکدوم از این معلم‌ها یک از یک نازنین‌تر. آقای شیت اله کریمی، آقای قاسم آستانه، آقای عسگری .. آقای عسگری اسم کوچیکشون یادم نیست خیلی شوخ بود همونجوری که اون به من میگفت پسرعام نصرت! حتی کتک زدن و تنبیه و تشویق اش هم شوخی ناب بود. یادم میاد آقا صامت لطیفی را مبصر کرده بود لیست خوبها و بدها و شیطنت بچه‌ها را ازش هفتگی می‌گرفت آخر هفته یکجا تنبیه میکرد!! تشویق‌هاش هم یه خطاطی و نقاشی بسیار زیبا روی تخته سیاه کلاس بود که جمعی تشویق میکرد و یهویی نقشی میزد که همه حیران میشدیم. مهمترین خاطره‌ای که از آقای عسگری دارم موضوع انشایی بود خیلی ساده: بچه‌ها درباره روستایتان سرسختی چی می‌نویسید؟ همین! اما خیلی سخت بود هرکسی شاید بعد از مقدمه ده خطی کلیشه‌ای، یکی دوخط درباره روستا بیشتر ننوشته بود. آقای عسگری یه جمله‌ای توی صحبت اونورزش بود که هنوزم یادم مونده؛ "درباره سرسختی، تاریخ و مردمانش صدها کتاب میشود نوشت: سعی کنید شما هم درآینده بیشتر بنویسید".

سال ۹۹ با کرونا شروع شد کار و کاسبی منم تعطیل شد فرصت بیشتری پیدا کردم درگروه مجازی دوره‌می سرسختی به خاطره‌نویسی بیشتری پردازم. اعضای گروه هم فرصت بیشتری داشتند، بخصوص که تعطیلات عید به کمای عجیبی رفت آن هم برای همه اهالی سرسختی که بیشترشان مقیم تهران یا دیگر شهرها هستند و معمولن اولویت اول تا نزدیک آخرشان برای تعطیلات عیدنوروز، روستای سرسختی است. به نوعی همه گیج و مبهوت بودیم که این تعطیلات سفر ممنوع شده و خاطره بازی و فرصت یادها و دریغ‌هایی که حضوری داریم از دست

میرود برای همین خاطره و دریغ‌ها از گذشته به نوشتن در فضای مجازی گروه بیشتر و بیشتر شد. چندسال پیش تجربه جالبی داشتیم که خاطرات نوشته شده توسط اعضای گروه را گردآوری و به صورت یک کتاب منتشر کردیم، آن تجربه باعث شد فکر دعوت دوباره از اعضا را داشته باشیم که هم خاطرات تازه بنویسند و هم خاطرات را دوباره جمع‌آوری کنیم تا ویرایش تازه‌ای از کتاب دوره‌می سرسختی ارایه کنیم. این خاطرات جمع‌آوری و بایگانی شده است که در فرصتی تازه با ویرایش دوم خاطرات دوره‌می به چاپ برسد اما تجربه و هیجان جالب و تازه‌تری هم در این فرصت کرونا به دست آمد و آن هم برای خودم آشنایی با هم روستایی‌ها و فامیل‌هایی بود که هیچ وقت فکرنمیکردم فرصت نوشتن یا شعر سرودن داشته باشند و در این سال کرونایی، قطعات و دلنوشته‌های بسیار زیبایی ارایه کردند و هم داستان‌های کوتاه، شعرهای نو و کلاسیک، که امیدوارم به زودی اجازه افتخار نشر جداگانه مجموعه را از دوستان دریافت کنم.

در این خاطره نویسی‌ها و نوشتن‌ها برای خودم یک فرصت عالی به دست آمد که یکی از آرزوهای نوجوانی ام درباره گذشته‌های بسیار دور روستا بیشتر سوال کنم و بیشتر خیال‌ها و رویاها را برای معرفی این دیار کهن داشته باشم.

در خاتمه عرض کنم که این کتاب کشکولی از نوشته‌های شعری یا دلنوشته‌های سال ۹۹ که به نوعی روزمره گی‌های دیگری در ادامه "یادداشت‌های خیابان ایز" است. به امید دیدار شما در زیرسایه‌های بلوط سرسختی، تنها ذخیره ژنتیکی بلوط خالص ایرانی.

با احترام

علیرضا رضایی